



بررسی روند تکاملی مدل حاکمیت محیط‌زیستی در ایران

ساجده صفی‌خوانی^۱، ارشک حلی‌ساز^{۲*}

۱- گروه مهندسی منابع طبیعی، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

۲- گروه علوم و مهندسی آبخیزداری، دانشکده مرتع و آبخیزداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

نوع مقاله:	چکیده
پژوهشی	بررسی علت شکست سیاست‌های محیط‌زیستی حکومت‌ها، مستلزم شناخت روند تکاملی حاکمیت محیط‌زیستی است. Ioris (۲۰۱۴) با تمرکز بر رویکردی فلسفی-سیاسی نشان می‌دهد که در طول سده‌ی گذشته سه مدل حاکمیت محیط‌زیستی در کشورهای غربی به اجرا گذاشته شده‌است که تحت تأثیر نظریه‌های سیاسی هابز، کانت و هگل قرار دارند و نماینده‌ی سه تغییر و واکنش متفاوت به مسائل و مشکلات محیط‌زیستی هستند. روند اضمحلال محیط‌زیست، اصلاحات قانونی و نهادی در ایران آشکار می‌کند که حاکمیت محیط‌زیستی در ایران نیز روند تکاملی دارد. لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا روند تکاملی حاکمیت محیط‌زیستی کشورهای غربی قابلیت تطبیق با شرایط ایران را دارد؟ بنابراین این پژوهش با تمرکز بر نظریه‌ی Ioris (۲۰۱۴) و استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی روند تکاملی حاکمیت محیط‌زیستی ایران را بررسی می‌کند. بررسی ادبیات اجبار و غیراجبار در قوانین و مقررات محیط‌زیستی نشان می‌دهد که نهادهای قانون‌گذار برای حفاظت از محیط‌زیست بر اعمال سیاست اجبار تمرکز دارند. علی‌رغم این‌که غالبیت ادبیات اجبار در قانون راجع به جنگل‌ها (۱۳۲۱) تا قانون حفاظت از خاک (۱۳۹۸) نشان از حاکمیت اندیشه‌ی هابز در حقوق محیط‌زیستی ایران دارد اما ظرفیت‌سازی‌های نهادی برای حل مشکلات محیط‌زیستی و منابع آب نشان می‌دهد که آن‌چه که در عمل در مدل حاکمیت محیط‌زیستی ایران رخ داده‌است برای تشکیل نوع خاصی از حاکمیت محیط‌زیستی است. در واقع، بارزترین ویژگی‌های مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور (ارزیابی اثرات محیط‌زیستی) و دوران گذر (توسعه‌ی پایدار) به‌طور همزمان در دولت سازندگی (سال ۱۳۷۳) وارد حقوق محیط‌زیستی ایران شدند. علاوه بر این، حکومت در ایران بدون بسترسازی برای ورود به مدل حاکمیت محیط‌زیستی هگلی، رویکردهای منعطف‌تری را وارد قوانین و مقررات منابع آب کرده است. مانند افزایش سهم مشارکت بخش خصوصی در سطوح سه‌گانه‌ی حکمرانی، تقویت ظرفیت‌های قانونی شکل‌گیری ابزارهای بازار مبنا مانند بانک آب در پیش‌نویس لایحه‌ی قانون آب، معرفی ابزارهای سیاستی خدمات اکوسیستم و پرداخت بهای خدمات برای حل مشکلات منابع آب در مقیاس حوزه‌های آبخیز. بنابراین می‌توان بیان کرد که چارچوب‌های مدل حاکمیت محیط‌زیستی منعطف در کشور ایران نیز ظاهر شده‌است اما با این تفاوت که روند تکاملی مدل حاکمیت محیط‌زیستی کشور ایران مطابق با کشورهای غربی نیست. به‌عبارتی حکومت در ایران به‌دنبال پیاده‌سازی حاکمیت محیط‌زیستی است که حاصل ترکیب جرمه‌های حاکمیت قرارداد محور با مشوق‌های اقتصادی مبتنی بر تعاملات بازاری مدل حاکمیت محیط‌زیستی هگلی است. لذا اقدام به ترکیب عناصر مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور با عناصر حاکمیت محیط‌زیست
تاریخچه مقاله:	
دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱	
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹	
کلمات کلیدی:	
مدیریت محیط‌زیست، اندیشه‌های سیاسی-فلسفی هابز، کانت و هگل، ایران	

دوران گذر و مدل حاکمیت محیط‌زیستی هگلی کرده‌است. به عبارتی در زمانی که قواعد حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور (به‌ویژه سیاست اجبار) مبنای کار حکومت در مدیریت محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور ایران است، ادبیات سبز و توسعه‌ی پایدار نیز وارد سیاست‌ها و قوانین محیط‌زیستی می‌شوند. باید توجه داشت که تمرکز بر چارچوب‌های مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور و مدل حاکمیت محیط‌زیستی منعطف توان حل مسائل و مشکلات محیط‌زیستی ایران را ندارد، بنابراین لازم است اقدام به طراحی چارچوب‌های یک مدل حاکمیت محیط‌زیستی بومی برای کشور ایران کرد که بر مشارکت گروه‌های محلی تمرکز دارد. استفاده از چارچوب‌های این مدل حاکمیت محیط‌زیستی پیشنهاد شده باعث کاهش نابرابری‌های اجتماعی در حوزه‌های آبخیز و ایجاد توازن و نظم بین منافع مردم در مقیاس حوزه‌های آبخیز کوچک و سیاست‌های کلان در مقیاس حوزه‌های آبخیز اصلی می‌شود.

مقدمه

با ظهور حکمرانی محیط‌زیستی مدون در پایان دهه‌ی ۱۹۶۰ (Meadowcroft, 2014) و مدنظر قرار دارن مسائل محیط‌زیستی به‌عنوان امری سیاسی برای ملت- دولت‌های مدرن (Duit, 2013) حکومت‌ها نهادهای جدیدی^۱ را تأسیس کردند تا بتوانند موانع و مشکلات محیط‌زیستی را از پیش‌رو بردارند (Duit, 2014).

علی‌رغم تلاش حکومت‌ها برای حل مشکلات محیط‌زیستی اما تجربه نشان می‌دهد که با تأسیس سازمان‌ها و نهادهای جدید نیز مشکلات محیط‌زیستی رفع نشده‌است (Ioris, 2014). به این معنا که علی‌رغم گسترش ظرفیت‌های مقرراتی و نهادی نه تنها جهت روند تخریب محیط‌زیست مثبت است حتی حکومت نتوانسته‌است سرعت فرآیندهای تخریب محیط‌زیست را کاهش دهد (Duit, 2014).

با این‌که در دهه‌های اخیر تلاش‌های زیادی صورت گرفته‌است تا داده‌های قابل اتکایی در مورد اثرات انسان بر جهان طبیعی، شرایط محیط‌زیست و کارآیی رویکردهای سیاستی تولید شود (Meadowcroft, 2014) تا علل شکست حکومت‌ها را درک کرد اما همچنان وضعیت محیط‌زیست کشورها و تغییرات آن یکی از مسائل مهم عصر جدید است (Holisaz & Safikhani, 2020).

حتی افزایش استفاده‌ی مدیران از دانش فنی به‌منظور شبیه‌سازی حالات مختلف ارزیابی نتایج تصمیم‌های مدیریت محیط‌زیست که با خلاصه‌کردن اطلاعات محیط‌زیستی، مشخص کردن شکاف‌های علمی و تلاش برای از بین بردن شکاف‌ها به وسیله‌ی مدل‌های محیطی

همراه بوده‌است، نتوانسته‌است موفقیت چندانی را حاصل کند. لذا شناخت دقیق علل شکست سیاست‌های محیط‌زیستی همچنان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاران و دولت‌ها حتی در سبزترین کشورها است (Holisaz & Safikhani, 2020; Safikhani et al., 2020). به نظر می‌رسد که هنوز فهم درستی از دست‌آوردها، شکست‌ها و قابلیت‌هایی که منتج از دخالت‌های حکومتی در مسائل محیط‌زیستی است، حاصل نشده‌است و به تحقیقات بیشتری در مورد نظریه‌های حکومت و سیاست‌گذاری محیط‌زیستی نیاز است (Ioris, 2014). به عبارتی بررسی علل شکست سیاست‌های محیط‌زیستی حکومت‌ها مستلزم شناخت روند تکاملی حاکمیت محیط‌زیستی است. به این معنا که نخست با تبیین و بررسی نظریه‌های فلسفی- سیاسی حاکم بر روند تکاملی حاکمیت محیط‌زیستی مبنای ارزشی و مسائل تاریخی که ریشه‌ی عمیقی در تفکرات حکومت‌ها دارند را مشخص کرد و سپس به بازتفسیر دست‌آوردها و ناکامی‌های سیاست‌ها و مقررات محیط‌زیستی حکومت‌ها اقدام کرد.

در واقع، اغلب مطالعات دانشگاهی تمرکز بیش از اندازه خود را بر شکل و ساختار سیاست‌های حکومت قرار داده‌اند مانند مطالعه‌ی Holisaz و Safikhani (۲۰۲۰) و (۲۰۲۲) که نقش انتخاب مقیاس مکانی را در سیاست‌گذاری‌ها و تشکیلات محیط‌زیستی بررسی کرده‌اند. Tamassoki و همکاران (۲۰۲۱) به مسأله‌شناسی سیاست‌گذاری محیط‌زیست در کشور ایران پرداخته‌اند. Shirdeli و همکاران (۲۰۲۱) شاخص‌های سیاست‌های کلان بخش آب را ارزیابی و اولویت‌بندی کردند. Kolahi (۲۰۲۰) ساختارهای مدیریتی جهت تحقق سیاست‌های کلی محیط‌زیست را بررسی کرده‌است. Faryadi (۲۰۱۹)

^۱مانند: آژانس و وزارت‌خانه‌ها، مجامع مشاوره‌ای تخصصی، چارچوب‌های قانونی و رژیم‌های مقررات ملی.

ایران را دارد؟ لذا در این تحقیق با تمرکز بر نظریه‌ی فلسفی- سیاسی Ioris، روند تکاملی حاکمیت محیط‌زیستی در ایران بررسی می‌شود.

مبانی نظری

مدل‌های حاکمیت محیط‌زیستی

نخستین تجربه‌ی حاکمیت محیط‌زیستی ضمیمه‌ای فرعی و کم‌اهمیت بود که در خلال دومین انقلاب صنعتی گسترش یافت و به قواعد اقتصاد کلان و اولویت‌های پر قدرت اقتصادی چسبیده بود. این ضمائم تابع قراردادهای سیاسی حکومت کینزی^۳ بودند.

این مدل حاکمیت محیط‌زیستی شامل رویکردهای نهادی بود که در درجه‌ی نخست هدف‌اش محدود کردن خسارت‌ها و کاهش خطرات محیط‌زیستی مرتبط با آن خسارت‌ها بود. همچنین تلاش داشت که ثابت کند قدرت و رهبری حکومت می‌تواند مانع تخریب‌های محیط‌زیستی شود اما تدابیر مدیریتی، حفاظتی و احیایی آن تنها توانست راه‌حل‌های جزئی‌ای را ارائه کند که هم‌راستا با روند تخریب طبیعت بودند (Ioris, 2014).

با آشکار شدن محدودیت‌های این مدل، چارچوب‌های دومین مدل حاکمیت محیط‌زیستی از دهه‌ی ۱۹۶۰ ارائه شد و مقررات محیط‌زیستی به‌شکلی تدوین می‌شد که متناسب با فشارهای اکولوژیکی- اجتماعی و تقاضاهای سیاسی رایج در آن دوره باشند. اندیشه‌ی هابز از طبیعت بود که این مدل حاکمیت محیط‌زیستی را مبتنی بر یک راهبرد دستور و کنترل به‌وجود آورد.

نظریه‌ی سیاسی هابز بر اعمال حکومت به شکل اجباری تمرکز دارد (Ioris, 2014) و می‌گوید باید قدرت اجبارگری در کار باشد تا همه را به واسطه‌ی ترس از کیفر به ایفای پیمان‌های خود وادار سازد (Hobbes, 2018). هابز با این اعتقاد که ضروری است که حکومتی متکی به زور و توانا به کیفر دادن وجود داشته‌باشد (Copleston, 2001) در نظریه‌ی سیاسی‌اش حکومت را در قالب ماده واحدها، جرائم و مجازات‌ها مجهز کرد و منجر به تصویب قوانین محیط‌زیستی با رویکردی بالا به پایین شد (Ioris, 2014).

Holisaz و همکاران (۲۰۱۹) ابزارهای انتخابی در حقوق محیط‌زیستی را مورد بررسی قرار داده‌اند. Faryadi (۲۰۱۹) به آسیب‌شناسی همکاری میان‌سازمانی در حفاظت محیط‌زیست پرداخته‌است تا پیوندی میان حقوق محیط‌زیست و حقوق اداری ایجاد کند. Miremadi (۲۰۱۸) به آینده‌پژوهی انتقادی حکمرانی آب در ایران پرداخته است. Leigh Taylor و Sonnenfeld (۲۰۱۸) شکل‌گیری نظریه‌ی اجتماعی معاصر محیط‌زیست را بررسی کرده‌اند. Duit (۲۰۱۴) نقش حکومت در مدیریت محیط‌زیست را از منظری تطبیقی بررسی کرده است. Ioris (۲۰۱۲) نتولیرال‌سازی بخش آب در لیما کشور پرو را بررسی کرده‌است.

علی‌رغم ارزشمندی این مطالعات اما کمتر پژوهشی را می‌توان دید که به تغییرات و دگرگونی‌های وجودشناختی خود حکومت پرداخته باشد. در واقع تا تفسیری مجدد از نظریه‌های سیاسی حاکم بر حاکمیت محیط‌زیستی صورت نگیرد نمی‌توان به حل مشکلات محیط‌زیستی امیدوار بود (Ioris, 2014). Ioris (۲۰۱۴) با تمرکز بر رویکردی فلسفی- سیاسی نشان می‌دهد که در طول سده‌ی گذشته سه مدل حاکمیت محیط‌زیستی در کشورهای غربی به اجرا گذاشته شده‌است که نماینده‌ی سه تغییر و واکنش متفاوت به مسائل و مشکلات محیط‌زیستی است که تحت تأثیر نظریه‌های هابز، کانت و هگل قرار دارند.

پیچیدگی و تداخل مسائل محیط‌زیستی در ایران و همچنین گستردگی نهادها و سازمان‌های عرصه سیاست‌گذاری (Tamassoki et al., 2021) بر بستر تغییرات سیاسی، اقتصادی و توسعه‌ای آشکار می‌کند که حاکمیت محیط‌زیستی در ایران نیز روند تکاملی دارد.

حال آن‌که با وجود ترامرزی^۲ بودن پدیده‌های محیط‌زیستی و متداخل بودن مسائل محیط‌زیستی در دو سطح ملی و بین‌المللی (Knill et al., 2014) می‌توان پذیرفت که تدابیر مقرراتی و برنامه‌های محیط‌زیستی بسیاری از کشورهای فراتر از جهان غرب براساس تجربیات کشورهای غربی یا تحت تأثیر کشورهای غربی است. بنابراین این سؤال اساسی مطرح می‌شود که آیا روند تکاملی حاکمیت محیط‌زیستی کشورهای غربی قابلیت تطبیق با شرایط

³ Keynesian state

² Transboundary

توسعه‌ی پایدار، مدرنیزاسیون اکولوژیکی و اقتصاد سبز صحبت می‌کرد (Ioris, 2014).

مدل حاکمیت محیط‌زیستی منعطف، آخرین، پیچیده‌ترین و در عین حال مؤثرترین شکل واکنش به چالش‌های محیط‌زیستی است که بر جایگزینی فرایندهای دستور و کنترل با روال‌های متعادلانه‌تر و سازگارتر تمرکز دارد (Ioris, 2014).

استدلال‌های مبهم و در عین حال قانع‌کننده‌ی هگل بود که به حاکمیت محیط‌زیستی منعطف اجازه داد که خود را از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ تحمیل کند و فرصت‌های نوینی را برای تخمین، چرخش و انباشت سرمایه خلق کند. در اندیشه‌ی هگل عالی‌ترین تمایل سیاسی، تمایل به برقراری مالکیت خصوصی است و ساده‌سازی تدوین مقررات محیط‌زیستی و تشویق به فعالیت‌های اقتصادی متناسب با حفاظت محیط‌زیست از اهداف غایی هگل است (Ioris, 2014).

جایگزینی حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور با مدل حاکمیت محیط‌زیستی منعطف باعث شد که راهبردهای بازارپسند و بازارمحور نیز گسترش یابد. به‌طوری که در طول دو دهه‌ی گذشته چارچوب کلی این مدل حاکمیت محیط‌زیستی آن‌چنان تنظیم و تعریف شده‌است که بتواند پاسخ‌گوی جامعه‌ی حاضر در بازار جهانی باشد. به‌عبارتی در دهه‌های اخیر تنظیمات و مقررات محیط‌زیستی طوری در متن قوانین گنجانده می‌شوند که هدفشان اعمال راهبردهای مدیریت محیط‌زیستی بازار مبنا مثل تجارت کربن، بازارهای آب و پرداخت پول به ازای خدمات اکوسیستم (پرداخت بهای خدمات مرتبط با حفاظت آبخیز مثل نگهداری ذخائر آب پاک) باشد (Ioris, 2014).

در جریان روند تکاملی مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور، حکومت تلاش می‌کرد به شکل مستقیم‌تر وارد مسائل مرتبط با محیط‌زیست شود. این ورود مستقیم‌تر از طریق پایش خدمات محیط‌زیستی و ارزیابی اثرات محیط‌زیستی و اعمال جرائم صورت می‌گرفت. علاوه بر این، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور درونی‌سازی هزینه‌های اثرات جانبی محیط‌زیستی بود و ارزش اقتصادی هزینه‌های اثرات جانبی محیط‌زیستی با اشکال پولی و اخذ پول انجام می‌شد (Ioris, 2014).

علی‌رغم پیشرفت‌های مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور اما مسائلی مانند پرهزینه بودن اجرای مقررات محیط‌زیستی و وابستگی اجرای آن‌ها به نظر عاملان اقتصادی نقدهایی را بر این مدل حاکمیت محیط‌زیستی وارد کرد. لذا از دهه‌ی ۱۹۹۰ نوع جدیدی از حاکمیت محیط‌زیستی ظهور پیدا کرد (Ioris, 2014).

در واقع، تضعیف شدن مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور و همراه شدن نقدهای واده به آن با بروز بحران‌های سیاسی- اقتصادی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ باعث شد که از نخستین دهه‌های قرن بیستم حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور اندک اندک و به صورت جزئی با یک مدل منعطف‌تر جایگزین شود. این گذر و جایگزینی بیش از هر چیز تحت تأثیر اندیشه‌های کانت بود (Ioris, 2014). انتقال حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور به یک حاکمیت محیط‌زیستی منعطف از یک طرف می‌خواست واکنش‌ها به نگرانی‌های محیط‌زیستی را تقویت کند و از طرف دیگر، سازوکاری تولید اقتصادی و انباشت سرمایه را روان‌تر سازد. لذا در فرآیند این انتقال، زبان حکومت عوض شد و حکومت با زبان خاص خودش در خصوص مفاهیم

جدول ۱- خصوصیات مدل‌های حاکمیت محیط‌زیستی (Ioris, 2014)

نوع مدل	تاریخ حاکمیت	نظریه حاکم	مهم‌ترین شاخصه‌های مدل
نخستین حاکمیت محیط‌زیستی	قرن بیستم تا اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰	کینز	-
حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد-محور	دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰	هابز	تمرکز بر راهبرد دستور و کنترل و اعمال حکومت به شکل اجباری ارزیابی اثرات محیط‌زیستی
دوران گذر	دهه ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸	کانت	توسعه‌ی پایدار اقتصاد سبز
حاکمیت محیط‌زیستی منعطف (هگلی)	اواخر دهه ۱۹۹۰ تا حال حاضر	هگل	اعمال حکومت به شکلی منعطف گسترش مالکیت خصوصی گسترش ابزارهای بازار-مبنا

چنین شیوه‌ای را می‌توان به‌وضوح در قوانین و مقررات محیط‌زیستی ایران نیز مشاهده کرد که نهادهای قانون‌گذار برای تحریر متن قانون بیش‌تر بر کلماتی مانند "مؤلف است"، "مکلف است"، "باید"، "حق ندارد" و غیره که بار اجباری دارند تمرکز دارد و این کلمات را به عنوان کلمات قانون انتخاب می‌کنند (Holisaz *et al.*, 2019; Holisaz & Safikhani, 2020).

علاوه بر این، یکی از اصلی‌ترین دست‌مایه‌های حاکمیت اندیشه‌ی هابز در ایالات متحده، محاسبه‌ی ارزش اقتصادی هزینه‌ی اثرات جانبی محیط‌زیستی با اشکال پولی و اخذ پول بود (Ioris, 2014). در ایران نیز نهادهای قانون‌گذار "جریمه‌ی نقدی"، "پرداخت غرامت نقدی" و "ضبط اموال" را به‌عنوان مجازات در متن تمامی قوانین و مقررات محیط‌زیستی قرار داده‌اند که نشان از درونی‌سازی هزینه‌های اثرات جانبی محیط‌زیستی از طریق پرداخت پول است. لذا تمرکز حقوق محیط‌زیستی ایران بر راهبردهای دستور و کنترل و غالبیت وجه سیاست اجبار در قوانین و مقررات محیط‌زیستی را می‌توان بر بستر نظریه‌های عقلانی حاکم بر سیاست‌های محیط‌زیستی کشورهای غربی توجیه کرد. به این معنا که نظریه‌ی سیاسی هابز بر حقوق محیط‌زیستی ایران نیز حاکم است (Holisaz & Safikhani, 2020).

حاکمیت نظریه سیاسی هابز بر حقوق محیط‌زیستی ایران به‌لحاظ تاریخی نیز واضح است. به‌عنوان مثال در دوران قاجار گروه بزرگ مالکان که کمتر از ۲ درصد کل مالکان را تشکیل می‌دادند با اعمال قدرت سیاسی زمین‌هایی را کنترل و مدیریت می‌کردند که با تعدادشان متناسب نبود و روستاییان مجبور بودند اوامر مالکان را بدون هیچ اجرتی انجام دهند (Hooglund, 2013). در این دوره بیش‌ترین مالکیت زمین به شاه و نواب او تعلق داشت که با دست زورمند قدرت و اعمال زور تصمیم‌های خود برای مدیریت زمین را اجرا می‌کردند (Lambton, 2015) و زمین به املاک شخصی اربابان محلی، بزرگ مالکان، اشراف، مقامات ارشد مبدل شده بود. حتی اعطای مشروطیت در سال ۱۳۲۴ که نشانه‌ی دوران تازه‌ای از تاریخ مالکیت زمین در کشور بود باعث تغییر سیاست‌های مالکیت زمین در کشور نشد.

در دوره‌ی پهلوی نیز رضاشاه با تمرکز بر قدرت ارتش

شدن برنامه‌ی برجام^۵ در دی ماه ۱۳۹۴ (Central bank of Islamic Republic of Iran, 2001, 2004, 2005, 2013, 2014, 2017, اما تغییرات سیاسی، اقتصادی و توسعه‌ای بر تغییر ابزارهای دولت‌ها برای پاسخ به چالش‌های محیط‌زیستی تأثیر چندانی نداشته‌است و همه‌ی دولت‌ها از رویکردهای ایدئولوژیکی یکسانی برای حفاظت از محیط‌زیست استفاده کرده‌اند (Holisaz & Safikhani, 2022).

باید توجه داشت که این تغییرات سیاسی و تحولات اقتصادی باعث تکامل آن مدل حاکمیت محیط‌زیستی‌ای در کشور شده‌اند که بر کاربرد رویکردهای دستور و کنترل و اعمال سیاست اجبار تمرکز دارد (Ioris, 2014). چنانچه شکل ۱ نیز نشان می‌دهد که با گذشت زمان، فراوانی استفاده از ادبیات اجبار در جدیدترین سیاست‌گذارهای عرصه‌ی مدیریت محیط‌زیست و منابع طبیعی به ۹۸ و ۱۰۰ درصد رسیده است.

لازم به ذکر است که بسیاری از دولت‌ها به شکلی عقلانی برای حل مسائل داخلی‌شان از تجربیاتی استفاده می‌کنند که قبلاً در دیگر کشورها استفاده شده‌است و انتخاب‌های سیاستی در یک کشور به‌شدت تحت تأثیر انتخاب‌های سیاستی گذشته و حال دیگر کشورها است که درنهایت ممکن است منجر به یک هم‌گرایی سیاستی بین کشورها نیز شود (Knill *et al.*, 2014).

نهادها بین‌المللی در انتشار سیاست‌ها در بین کشورها تأثیر دارند. به‌عبارتی شرکت در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی و پذیرش و اجرای بیانیه‌های پایانی آن‌ها تأثیرات زیادی روی مقررات محیط‌زیستی کشورها و چگونگی تدوین این مقررات بر جای گذاشته‌است.

حاکمیت محیط‌زیستی در ایران نیز تحت تأثیر عضویت در سازمان‌ها و آژانس‌های بین‌المللی و پذیرش بیانیه‌های پایانی نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی قرار گرفته است. لذا آنچه که Ioris (۲۰۱۴) درخصوص مدل حاکمیت محیط‌زیستی هابزی بیان کرده‌است در ایران نیز قابل مشاهده است. به‌عبارتی در مدل حاکمیتی که هابز ارائه داد، کلماتی به‌عنوان کلمات قانون معرفی می‌شوند که نشان‌دهنده‌ی بار اجباری هستند مانند: "حکم می‌کند" و "دستور می‌دهد" و غیره (Hobbes, 2018).

^۵ برنامه جامع اقدام مشترک

محیط‌زیستی چندان مورد توجه نبود و از دولت ششم ارزیابی اثرات محیط‌زیستی به شکل صریح در مصوبات شورایی عالی حفاظت محیط‌زیست و برنامه‌های توسعه اقتصادی بیان شد.

نقطه‌ی شروع توجه جدی به توسعه‌ی پایدار نیز همزمان با گسترش مفهوم ارزیابی اثرات محیط‌زیستی است و قانون برنامه‌ی دوم توسعه اولین متن قانونی است که بند ۲ تبصره ۸۲ و بند ۶ هدف‌های کلان کیفی آن بر توسعه‌ی پایدار اشاره دارد (Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran, 2022). بنابراین دو مفهوم ارزیابی اثرات محیط‌زیستی و توسعه‌ی پایدار به‌طور همزمان در دوران سازندگی وارد حاکمیت محیط‌زیستی ایران شدند. Ioris (۲۰۱۴) ارزیابی اثرات محیط‌زیستی را بارزترین ویژگی حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور و گسترش توسعه‌ی پایدار را حاصل دوران گذر معرفی می‌کند. به این معنا که با حاکمیت نظریه‌ی سیاسی هابز لزوم توجه به ارزیابی اثرات محیط‌زیستی بیش‌تر شد و اندیشه‌ی سیاسی کانت باعث شد که قوانین و مقررات محیط‌زیستی بر توسعه‌ی پایدار بیش از پیش توجه داشته باشند (Ioris, 2014).

همزمانی ورود ارزیابی اثرات محیط‌زیستی و توسعه‌ی پایدار به حاکمیت محیط‌زیستی ایران باعث شد که تنظیمات نهادی که در پشتیبانی از این مفاهیم باید ایجاد شوند نیز چندان مورد توجه قرار نگیرند. لذا سازمان حفاظت محیط‌زیست تنها نهادی است که بعضی از دفاتر مستقل آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مسؤول بررسی امر ارزیابی اثرات محیط‌زیستی و تحقق توسعه‌ی پایدار در کشور هستند. مانند: دفتر ارزیابی محیط‌زیستی، دفتر توسعه پایدار و آمار و اقتصاد، دفتر مشارکت‌های مردمی و مسؤولیت‌های اجتماعی، کمیته ملی توسعه پایدار و گروه توسعه پایدار.

بنابراین آنچه که در عمل در مدل حاکمیت محیط‌زیستی حاکم رخ داده‌است برای شکل دادن نوع خاصی از حاکمیت محیط‌زیستی در کشور است. به‌عنوان مثال هنگام بروز مشکلاتی مثل سیلاب که حکومت مجبور به مقابله با آن‌ها است نهادهای قانون‌گذار با تنظیم قوانین و مقرراتی دو هدف را دنبال می‌کنند. ۱. از یک طرف به دنبال داشتن زمانی بیش‌تر برای پیدا کردن بهترین

کنترل کامل نظام سیاسی را به‌دست گرفت و با عدم تمایل به تغییر نظام ارضی دوران قاجار (Abrahamian, 2022) اراضی وسیعی را به‌عنوان املاک شخصی به تملک خود درآورد.

با این‌که همه‌ی این اقدامات در اصل نوعی تنظیمات محیط‌زیستی به حساب می‌آیند و نشان می‌دهد که به لحاظ تاریخی در ایران نیز همواره بین حکومت و مدیریت طبیعت رابطه وجود دارد و این رابطه مطابق با اندیشه‌ی سیاسی هابز برای حاکمیت محیط‌زیستی و تعریف هابز از حکومت است اما نمی‌توان حاکمیت محیط‌زیستی ایران را مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور معرفی کرد. چراکه گسترش مشکلات بحرانی به‌ویژه در حوزه‌ی منابع آب در کشور باعث شد که توجه بیش‌تر دولت‌ها و گروه‌های فعال محیط‌زیستی به اجرای رویکردهای منعطف‌تر جلب شود و حکومت تمرکز بر شاخصه‌های دوران گذر و مدل حاکمیت محیط‌زیستی منعطف را واکنش مناسبی برای حل و فصل مشکلات محیط‌زیستی تلقی کند. به‌عبارتی دقیق‌تر، بروز مسائل و مشکلاتی مانند آلودگی آب‌ها، خشکسالی و وقوع سیلاب در مناطق مختلف کشور باعث شد که از نخستین سال‌های دوران سازندگی به این‌سو تقریباً تمامی دولت‌ها علاوه بر تغییر ساختار سیستم‌های اداری و دستگاه‌های اجرایی اقدام به انجام کارهای فنی مانند سدسازی، کانال‌سازی، اجرای طرح‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری، بارورسازی ابرها و استفاده‌ی بیش‌تر از منابع آب زیرزمینی کنند.

با وجود چنین اقداماتی اما بیش‌تر شدن مشکلات منابع آبی کشور باعث شد که بسیاری از متخصصین دانشگاهی و رهبران سیاسی اتخاذ ساز و برگ‌های حکومتی منعطف‌تر در قوانین و مقررات محیط‌زیستی را برای حل این معضلات مناسب معرفی کنند. به عنوان مثال بررسی جایگاه قانونی و سیاسی امر ارزیابی اثرات محیط‌زیستی نشان می‌دهد که ارزیابی اثرات محیط‌زیستی اولین بار با تصویب مصوبه‌ی شماره ۱۳۸ شورایی عالی حفاظت محیط‌زیست در تاریخ ۱۳۷۳/۱/۲۳ جهت کاهش آلودگی هوا مطرح شد و با تصویب برنامه‌ی دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تاریخ ۱۳۷۳/۹/۲۰ صورت قانونی به خود گرفت. بنابراین تا قبل از دهه‌ی ۷۰ خورشیدی مفهوم ارزیابی اثرات محیط‌زیستی در قوانین و مقررات

مراحل مقدماتی تدوین لایحه قانون جامع آب را در دستور کار قرار داد. سپس با تبادل نظر و دریافت نظرات ۷۱ نهاد رسمی از ذی‌نفعان اصلی بخش آب و انتشار ویرایش نخست لایحه پیشنهادی آب در بهمن ماه ۱۳۹۹ و دعوت از کلیه‌ی صاحب نظران و کنش‌گران مرتبط با مسائل بخش آب و دریافت نظرات آن‌ها فرصت بیش‌تری را برای نهاد قانون‌گذار به‌منظور اصلاح این چارچوب قانونی فراهم ساخت (Ministry of Energy, 2019).

مثال دوم برای توضیح تشکیل نوع خاصی از حاکمیت محیط‌زیستی در کشور مفهوم اقتصاد سبز و رشد سبز (شاخصه‌های دوران گذر حاکمیت محیط‌زیستی کشورهای غربی) است که در نظام حقوق محیط‌زیستی ایران نیز پذیرفته شده هستند.

گسترش اقتصاد سبز به‌عنوان یک ضرورت در بند ۸ سیاست‌های کلی محیط‌زیست ابلاغی مقام معظم رهبری در قانون توجه قرار دارد.

در دولت دهم، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست^۷ با حضور در نشست اقتصاد سبز شورای حکام یونپ در کنیا اقتصاد سبز را رویکردی نوآورانه معرفی می‌کند که برای کمک به دولت‌ها در سازگار کردن اقتصادشان با الزامات محیط‌زیستی طراحی شده است (Mohammadizadeh, 2011).

در دولت یازدهم اقتصاد سبز رویکردی معرفی شد که در قالب برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست دنبال می‌شود (Ebtakar, 2016) و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست^۸ بیان می‌کند که دولت یازدهم نگاه ویژه‌ای به اقتصاد سبز دارد و در این ارتباط صندوق توسعه ملی تسهیلات ویژه‌ای را برای فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با محیط‌زیست در نظر گرفته است (Ebtakar, 2014). در دولت سیزدهم رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست^۹ پرداختن به اقتصاد سبز را یکی از رویکردهای مهم و مورد تأکید سازمان حفاظت محیط‌زیست در برنامه‌ی هفتم توسعه معرفی می‌کند که با هدف رعایت ملاحظات محیط‌زیستی و شکوفایی اقتصادی به‌طور هم‌زمان انجام می‌شود و همچنین از ظرفیت صندوق ملی سیاست‌های تشویقی برای ارتقای

گزینه‌های عملی و راه‌حل‌های سیاسی برای حل پرفشارترین مسائل محیط‌زیستی مرتبط با حوزه‌ی منابع آب هستند و ۲. از طرف دیگر این مقررات محیط‌زیستی دامنه‌ای از سازوکارهای گذرا و ناپایدار و کوتاه هستند که با راضی‌کردن طرف‌های سیاسی یا برآوردن بخشی از تقاضاهای اجتماعی تنظیم می‌شوند.

به بیانی دقیق‌تر خسارت‌های ناشی از ۵۶ واقعه‌ی سیلاب در استان مازندران، ۲۲ سیلاب در استان گیلان، ۱۶ سیلاب در استان بوشهر، ۱۵ سیلاب در استان لرستان و ۱۱ سیلاب در استان کرمانشاه بین سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ (Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran, 2017) و همچنین سیلاب‌های استان‌های گلستان، شیراز، لرستان و خوزستان در فاصله سال‌های ۹۸-۱۳۹۷ (Narrative Special Reporting) و استان‌های چهارمحال و بختیاری و کرمان در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ باعث تدوین سه پیش‌نویس "لایحه حفاظت از رودخانه‌ها و کاهش خطرات سیل" در سال ۱۳۹۸ و "لایحه قانون جامع آب" در بهمن ماه سال ۱۳۹۹ و تدوین "لایحه قانون آبخیزداری" در ۹ مرداد سال ۱۴۰۱ در بخش آب شد.

مطرح شدن لایحه قانون جامع آب در بهمن ماه سال ۱۳۹۹ و تدوین لایحه قانون آبخیزداری در سال ۱۴۰۱ با قید فوریت در شرایطی که لایحه حفاظت از رودخانه‌ها و کاهش خطرات سیل هنوز تصویب نشده است و در مهر ماه ۱۴۰۱ به مجلس شورای اسلامی ارسال شده‌است نشان دهنده‌ی این موضوع است که حاکمیت محیط‌زیستی در ایران طوری پیش می‌رود که حکومت با داشتن زمان بیش‌تر به‌دنبال ارائه‌ی بهترین اقدامات ممکن است و همچنین بهترین و موفق‌ترین مدل حاکمیت محیط‌زیستی که قبلاً تجربه‌شده را تقلید کند. چگونگی تدوین لایحه قانون جامع آب نیز نشان دهنده‌ی این موضوع است.

وزارت نیرو (دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفای وزارت نیرو) از ابتدای سال ۱۳۹۹ با استفاده از تجارب جهانی و ترجمه قوانین کشورهای مختلف^۶ و بهره‌گیری از دانش کارشناسان و متخصصان امر و جلب مشارکت ذی‌نفعان

^۷ محمد جواد محمدی‌زاده

^۸ معصومه ابتکار

^۹ دکتر علی سلاجقه

^۶ کشورهای برزیل، آفریقای جنوبی، کنیا، فلسطین اشغالی، هندوستان، روسیه، استرالیا، ایالات متحده و اروپا، چین، ارمنستان، فرانسه، آلمان، مکزیک، اسپانیا و افغانستان.

مدیریت اقتصاد و فناوری محیط‌زیست و دفتر توسعه پایدار، آمار و اقتصاد محیط‌زیست سازمان حفاظت محیط‌زیست تنها ظرفیت‌سازی‌های نهادی هستند که جریان اقتصاد سبز را در کشور پیگیری می‌کنند. علاوه بر این، نماینده‌ی ایران^{۱۰} (در دولت دهم) در بیست و ششمین جلسه‌ی شورای حکام یونپ نیز بیان می‌کند که مقوله‌ی اقتصاد سبز و ارزش‌گذاری اقتصادی منابع محیط‌زیستی در ایران هنوز در مراحل اولیه‌ی تکامل و تکوین خود قرار دارد (Mohammadizadeh, 2011).

با این توضیحات می‌توان نتیجه گرفت که با اینکه مهم‌ترین شاخصه‌های حاکمیت محیط‌زیستی دوران گذر کشورهای غربی در ایران نیز پذیرفته شده‌است اما تمرکز بر این شاخصه‌ها اغلب سطحی است. به عبارتی، تثبیت و جا افتادن حاکمیت محیط‌زیستی دوران گذر به‌عنوان جزئی از ساز و برگ‌های حکومتی در مدل حاکمیت محیط‌زیستی ایران شکل نگرفته‌است. لذا تغییر و تبدیلاتی که در مدل حاکمیت محیط‌زیستی ایران ایجاد شده‌است نشان‌دهنده‌ی جدا شدن حاکمیت محیط‌زیستی از مبانی اندیشه‌ی هابزی و انتقال به ایده‌های کانتی نیست.

دوران گذر در کشورهای غربی حاکمیتی تصور می‌شود که با تمرکز بر ایده‌های سیاسی کانت (توسعه‌ی پایدار و اقتصاد سبز)، ضمن تدوین و ترویج مقرراتی برای حل مشکلات اکولوژیکی-اجتماعی در کل جامعه به‌دنبال بسترسازی برای ورود مدل حاکمیت محیط‌زیستی منقطع از طریق توسعه‌ی پایدار و اقتصاد سبز است. به بیانی ساده‌تر، توسعه‌ی پایدار و دیگر مفاهیم مرتبط با آن اثباتی بی‌چون و چرا از حضور جریان و جنبشی است که حاکمیت محیط‌زیستی را به سمت مدلی بسیار منقطع‌تر و لیبرال‌تر سوق می‌دهد (Ioris, 2014). اما وجود چالش‌های مهمی مثل: ۱- عدم تعادل بین منابع و مصارف آب و گسترش خشکسالی ۲- فرسایش خاک، پسماندها و بحران ریزگردها ۳- آلودگی هوای کلان‌شهرها ۴- تخریب تنوع‌زیستی و ذخایر ژنتیکی و ۵- عدم توازن و تعادل بین حفاظت محیط‌زیست و توسعه صنعتی و

شاخص‌های اقتصاد سبز در کشور استفاده می‌شود (Salajegheh, 2022 a). علاوه بر این، اقداماتی که نشان‌دهنده گسترش اقتصاد سبز باشد نیز در کشور انجام شده‌است. مانند: ۱- شرکت در اجلاس سران توسعه پایدار با عنوان ریو+۲۰ با محورهای اصلی "اقتصاد سبز برای کاهش فقر، چارچوب نهادینه توسعه پایدار و هدایت حاکمیت جهانی به سوی حاکمیت بین‌المللی محیط‌زیستی" (Natural Resources and Watershed Management Organization, 2012) ۲- در دستور کار قرار دادن تهیه‌ی دستورالعمل سبزشازی مشاغل توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست (Department of Environment, 2019)، ۳- برگزاری کنفرانس‌های ملی، بین‌المللی و سمینارهای آموزشی با عنوان "اقتصاد سبز" در سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، ۴- برگزاری سومین هم‌اندیشی سیاست‌گذاران منابع آب با عنوان "اقتصاد سبز و حکمرانی پایدار" در سال ۱۳۹۵، ۵- انعقاد تفاهم‌نامه همکاری بین اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و سازمان حفاظت محیط‌زیست با هدف تعامل و همکاری بین دولت و بخش خصوصی به‌منظور تحقق توسعه‌ی پایدار و گسترش اقتصاد سبز در کشور (Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture, 2016.b) و ۶- برگزاری نشست تخصصی "اقتصاد سبز و بخش خصوصی" در سال ۱۳۹۵ توسط کمیسیون آب، محیط‌زیست و اقتصاد سبز اتاق بازرگانی ایران به‌منظور پیگیری و فراهم کردن بسترهای لازم جهت مشارکت بخش خصوصی برای تحقق اقتصاد سبز در کشور (Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture, 2016.a.c).

علی‌رغم این ظرفیت‌سازی‌های قانونی و برگزاری کنفرانس‌های ملی و شرکت در نشست‌های بین‌المللی برای نیل به اهداف توسعه‌ی پایدار و گسترش اقتصاد سبز و با اینکه رویکرد اقتصاد سبز و لزوم گسترش آن در حقوق محیط‌زیستی ایران وارد شده‌است اما حکومت در عمل قادر نشده‌است که اقتصاد سبز را در کشور اجرایی سازد. این امر را می‌توان در نهادسازی‌های مرتبط با پیگیری جریان اقتصاد سبز نیز مشاهده کرد. چنانچه کمیسیون تخصصی "توسعه پایدار، محیط‌زیست و آب" در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و دفتر

^{۱۰} محمدجواد محمدی زاده (معاون رییس جمهور و رییس سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی ایران)

دارند، قدرت تسهیلات‌دهی صندوق ملی محیط‌زیست را افزایش دهند (Anjomshoa, 2022, a, b). علاوه بر این، نهاد قانون‌گذار در پیش‌نویس لایحه قانون آب سهم بسیار بیش‌تری برای مشارکت بخش خصوصی در سطوح سه‌گانه حکم‌رانی منابع آب (سطح استانی^{۱۱}، حوزه آبخیز^{۱۲} و سطح ملی^{۱۳}) در نظر گرفته‌است. همچنین، به رویکردهای منعطفی مانند تبیین، تصریح و هویت‌بخشی به ترتیبات نهادی بخشی، میان‌بخشی و فرابخشی^{۱۴}، انتقال بین‌حوزه‌ای آب، افزایش مشارکت گروداران، ارزش اقتصادی آب و تقویت ظرفیت قانونی شکل‌گیری ابزارهای بازار مینا مانند بانک آب نیز توجه زیادی شده‌است به‌طوری‌که نهاد قانون‌گذار به وزارت نیرو اجازه داده‌است که نسبت به تشکیل بانک یا بازار آب و نظارت بر آن در هر منطقه از حوزه‌های آبخیز اقدام کند (ماده ۲۴ پیش-نویس لایحه قانون آب) (Ministry of Energy, 2019).

عمرانی در حوزه محیط‌زیست و منابع آب در کشور (Salajegheh, 2022 b) باعث شد که حکومت بدون پیشرفت در توسعه پایدار و اقتصاد سبز به‌دنبال شاخصه‌های مدل حاکمیت محیط‌زیستی منعطف (گسترش مالکیت خصوصی و تمرکز بر ابزارهای بازار مینا مانند خدمات اکوسیستم و پرداخت بهای خدمات) باشد. بر اساس تجربه کشورهای غربی با حاکم شدن مدل حاکمیت محیط‌زیستی منعطف در دوران معاصر حکومت خود را ملزم به مشروعیت‌بخشی به مالکیت خصوصی و پیشینه‌کردن سود می‌داند و برای نیل به این اهداف باید منابع عمومی را به شکل گسترده‌ای در اختیار بخش خصوصی قرار دهد. لذا اقدام به خصوصی‌سازی منابعی می‌کند که گروه‌های اجتماعی برای بقای‌شان مستقیماً به آن‌ها وابسته‌اند مانند خصوصی‌سازی منابع آب (Ioris, 2014).

بررسی گزارش‌های منتشرشده‌ی سازمان خصوصی‌سازی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی صنعت آب و انرژی در ایران هر ساله از طریق وزارت نیرو با واگذاری سهام شرکت‌های زیرمجموعه‌ی شرکت‌های مادر تخصصی آب و فاضلاب کشور، برق حرارتی، توانیر، ساتکاب و مدیریت منابع آب به بخش خصوصی انجام می‌شود (Iranian Privatization Organization, 2021, 1). به‌طوری‌که از اولین جلسه‌ی هیأت عالی واگذاری در ۱۸ مرداد ۱۳۷۹ تا برگزاری سیصد و هفتاد و یکمین جلسه هیأت در ۱۷ آذر سال ۱۳۹۹، بسیاری از شرکت‌های زیرمجموعه‌ی وزارت نیرو به بخش‌های غیردولتی واگذار شده است (Iranian Privatization Organization, 2021, a, b, c, d, e, f, j, k).

مدیرعامل صندوق ملی محیط‌زیست در دولت سیزدهم نیز با تأکید بر ضرورت ورود بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان به حوزه محیط‌زیست بیان می‌کند که تا قبل از آغاز به کار دولت سیزدهم شرکت‌های خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان حضور مؤثری در حوزه محیط‌زیست نداشتند لذا رسالت اصلی صندوق ملی محیط‌زیست حمایت از بخش خصوصی در انجام فعالیت‌های محیط‌زیستی است. برای انجام این رسالت نیز به‌دنبال استفاده از منابع تلفیقی بانک‌ها هستند. به‌عبارتی با مشارکت بانک‌های دولتی که دغدغه‌های محیط‌زیستی

^{۱۱} کارگروه‌های استانی آب، شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای (استان) و شرکت سهامی

سازمان آب و برق خوزستان و شرکت‌های آب و فاضلاب استان

^{۱۲} کمیسیون‌های حوزه آبخیز (اصلی و فرعی) و سازمان‌های حوضه آبریز به عنوان

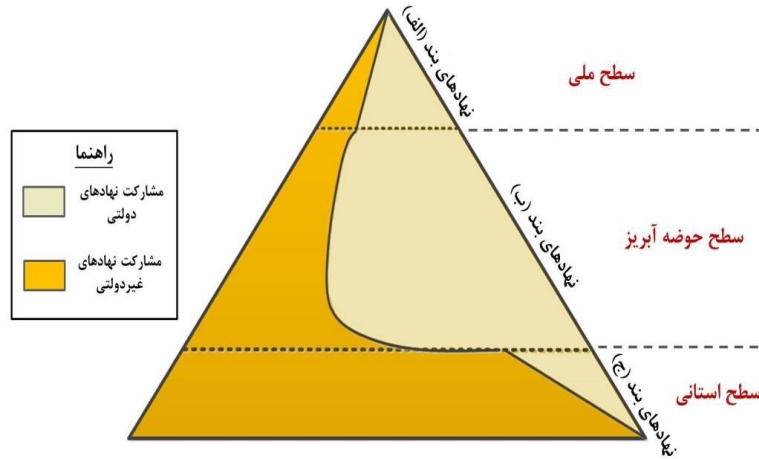
دبیرخانه کمیسیون‌های حوضه آبریز

^{۱۳} شورای عالی آب و وزارت خانه‌های نیرو، جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط-

زیست به عنوان ارکان اصلی مدیریت آب کشور

^{۱۴} شورای عالی آب، کمیسیون حوضه آبریز (حوزه‌ی آبخیز)، سازمان حوضه آبریز (حوزه‌ی

آبخیز)، کارگروه استانی آب



شکل ۲- سهم پیش‌بینی شده برای مشارکت نهادهای دولتی و غیردولتی در سطوح سه گانه حکمرانی آب (Ministry of Energy, 2019)

بحث و نتیجه‌گیری

حکومت در ایران به دنبال پیاده‌سازی مدل حاکمیت محیط‌زیستی است که حاصل ترکیب بعضی از قواعد و جریمه‌های مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور با مشوق‌های اقتصادی مبتنی بر تعاملات بازاری مدل حاکمیت محیط‌زیستی هگلی است. لذا اقدام به ترکیب عناصر حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور با عناصر حاکمیت محیط‌زیست دوران گذر و مدل منعطف کرده‌است. به این معنا که در زمانی که قواعد حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور (به‌ویژه سیاست اجبار) مبنای کار حکومت در مدیریت محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور است، ادبیات سبز و توسعه‌ی پایدار را وارد سیاست‌ها و قوانین محیط‌زیستی می‌کند.

در دهه‌های اخیر که بخشی از دوره‌ی گسترش حاکمیت محیط‌زیستی منعطف است و حکومت‌های پیش‌تری ترغیب شده‌اند که ادبیات سبز را در گفته‌های‌شان به کار برند (Ioris, 2014)، مسؤولان حفاظت از محیط‌زیست در ایران نیز با این تصور که توسعه‌ی پایدار و ادبیات سبز راه‌حل‌های لازم را برای مواجهه با موضوعات محیط‌زیستی و در قالب قانون‌گذاری‌ها فراهم می‌کنند به دنبال اجرایی‌سازی ادبیات سبز هستند اما باید توجه داشت که Ioris (۲۰۱۴) بیان می‌کند که توسعه‌ی پایدار و مفاهیم مرتبط با آن تنها فرصتی را به وجود می‌آورد که حکومت بتواند با دخالت‌های پیچیده و در دست گرفتن رهبری و مدیریت محیط‌زیست نظم اقتصادی نوین لیبرالی را ترویج

علاوه بر موارد ذکر شده در دهه‌ی اخیر بسیاری از دانشگاهیان مانند Mirikaram و Mobarghei (۲۱۰۵)، Jahani و همکاران (۲۰۱۵)، Daneshi و همکاران (a, b, ۲۰۱۴)، Daneshi و همکاران (a, b, c, ۲۰۱۶)، Panahi و همکاران (۲۰۱۶)، Tahami Pour Zarandi (۲۰۱۸)، Zarandian (۲۱۰۸)، Atefi و همکاران (۲۰۱۹)، Zakeri و همکاران (۲۰۲۰)، Shahpouri و همکاران (۲۰۲۱) ابزار سیاستی خدمات اکوسیستم و پرداخت بهای خدمات را راهکاری مناسبی برای حل مشکلات منابع آب در بسیاری از حوزه‌های آبخیز و اکوسیستم‌های تالابی، توسعه‌ی گردشگری، مدیریت مراتع و بهبود ارزیابی راهبردی محیط‌زیست در ایران معرفی می‌کنند.

تجربه‌ی اصلاح بخش منابع آب کشور برزیل نشان می‌دهد که تدوین شیوه‌های جدید در متن قوانین و مقررات از جمله پذیرش ابزارهای بازار مبنای (بانک آب و خصوصی‌سازی منابع آب، خدمات اکوسیستم و پرداخت بهای خدمات)، رویکردهای مبتنی بر حفظ حقوق انواع ذی‌نفعان، معرفی نهادهای جدید در حوزه‌ی مدیریت آب و اجرای پروژه‌های انتقال بین‌حوزه‌ای به معنای انتقال به مدل حاکمیت محیط‌زیستی منعطف است (Ioris, 2014). بنابراین می‌توان بیان کرد که چارچوب‌های مدل حاکمیت محیط‌زیستی منعطف نیز در ایران نیز ظاهر شده‌است اما با این تفاوت که روند تکاملی مدل‌های حاکمیت محیط‌زیستی ایران مطابق با کشورهای غربی نیست.

کند که در نهایت باعث تثبیت راه‌حل‌های بازار مبنای می‌شود (Ioris, 2014).

در واقع، تجربه‌ی کشورهای غربی نشان می‌دهد که مدل‌های کم‌توان حاکمیت محیط‌زیستی از جمله مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور در بهترین حالت فقط موجب کاهش موقت و زودگذر اثرات محیط‌زیستی می‌شوند و واکنش‌هایی سطحی به تقاضاهای اکولوژیکی - اجتماعی می‌دهند. بنابراین ضروری است که چارچوب‌های این مدل حاکمیت محیط‌زیستی تمام و کمال از حقوق محیط‌زیستی ایران خارج شود. به عبارتی لازم است با کاهش تمرکز بر ادبیات اجباری و رویکردهای دستوری بالا به پایین مسیری را باز کرد که بر رویکردهای پایین به بالا تمرکز شود. چراکه هرچه حکومت در اعمال قدرت از تعداد بیشتری از مردم استفاده کند و با درگیر کردن بهره‌برداران در مدیریت منابع و سیاست‌های توسعه‌ای، ضرورت اعمال قدرت کمتر خواهد شد. به عبارتی با رشد روحیه‌ی اطاعت‌پذیری در فضایی هم‌کارانه نوعی اطاعت‌پذیری شبه داوطلبانه از حکومت ایجاد می‌شود.

در چنین نظم سیاسی مبتنی بر خرد جمعی، افراد طوری رفتار می‌کنند که منجر به تثبیت نظم اجتماعی حاکم می‌شود و حکومت نیز می‌تواند سیاست‌های محیط‌زیستی در هر بخش را که متأثر از دیگر سیاست‌ها در حوزه‌های اقتصادی - اجتماعی تحت نظارت حکومت است را مرتبط سازد و نتیجتاً آشکال اکولوژیکی اقدامات حکومتی به درستی شناخته و حل می‌شوند.

علاوه بر این، مدل حاکمیت محیط‌زیستی منعطف از یک سو با نگرانی بسیاری از ویژگی‌های مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد-محور و افزودن مفاهیم به‌شدت پولی جدید به مجموعه چارچوب‌های خود، کسب سود از محل مدیریت و حفاظت از طبیعت را در دستور قرار می‌دهد و از سوی دیگر، استمرار و شدت انواع فرآیندهای تخریب محیط‌زیستی را بیش‌تر می‌کند. از یک طرف اصطلاحاتی هم‌چون توسعه‌ی پایدار و مشارکت عمومی را به متن اسناد سیاستی، قوانین و مقررات اضافه می‌کند و از طرف دیگر در متن همین اسناد سیاستی، قوانین و مقررات، تنظیمات و مقررات محیط‌زیستی گنجانده می‌شود که هدفشان اعمال راهبردهای مدیریت محیط‌زیستی بازار مبنای مثل بازارهای آب است که با ایجاد فرصت‌های جدید

کند که در نهایت باعث تثبیت راه‌حل‌های بازار مبنای می‌شود (Ioris, 2014).

در واقع، تجربه‌ی کشورهای غربی نشان می‌دهد که مدل‌های کم‌توان حاکمیت محیط‌زیستی از جمله مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد محور در بهترین حالت فقط موجب کاهش موقت و زودگذر اثرات محیط‌زیستی می‌شوند و واکنش‌هایی سطحی به تقاضاهای اکولوژیکی - اجتماعی می‌دهند. بنابراین ضروری است که چارچوب‌های این مدل حاکمیت محیط‌زیستی تمام و کمال از حقوق محیط‌زیستی ایران خارج شود. به عبارتی لازم است با کاهش تمرکز بر ادبیات اجباری و رویکردهای دستوری بالا به پایین مسیری را باز کرد که بر رویکردهای پایین به بالا تمرکز شود. چراکه هرچه حکومت در اعمال قدرت از تعداد بیشتری از مردم استفاده کند و با درگیر کردن بهره‌برداران در مدیریت منابع و سیاست‌های توسعه‌ای، ضرورت اعمال قدرت کمتر خواهد شد. به عبارتی با رشد روحیه‌ی اطاعت‌پذیری در فضایی هم‌کارانه نوعی اطاعت‌پذیری شبه داوطلبانه از حکومت ایجاد می‌شود.

در چنین نظم سیاسی مبتنی بر خرد جمعی، افراد طوری رفتار می‌کنند که منجر به تثبیت نظم اجتماعی حاکم می‌شود و حکومت نیز می‌تواند سیاست‌های محیط‌زیستی در هر بخش را که متأثر از دیگر سیاست‌ها در حوزه‌های اقتصادی - اجتماعی تحت نظارت حکومت است را مرتبط سازد و نتیجتاً آشکال اکولوژیکی اقدامات حکومتی به درستی شناخته و حل می‌شوند.

علاوه بر این، مدل حاکمیت محیط‌زیستی منعطف از یک سو با نگرانی بسیاری از ویژگی‌های مدل حاکمیت محیط‌زیستی قرارداد-محور و افزودن مفاهیم به‌شدت پولی جدید به مجموعه چارچوب‌های خود، کسب سود از محل مدیریت و حفاظت از طبیعت را در دستور قرار می‌دهد و از سوی دیگر، استمرار و شدت انواع فرآیندهای تخریب محیط‌زیستی را بیش‌تر می‌کند. از یک طرف اصطلاحاتی هم‌چون توسعه‌ی پایدار و مشارکت عمومی را به متن اسناد سیاستی، قوانین و مقررات اضافه می‌کند و از طرف دیگر در متن همین اسناد سیاستی، قوانین و مقررات، تنظیمات و مقررات محیط‌زیستی گنجانده می‌شود که هدفشان اعمال راهبردهای مدیریت محیط‌زیستی بازار مبنای مثل بازارهای آب است که با ایجاد فرصت‌های جدید

طراحی می‌شوند.

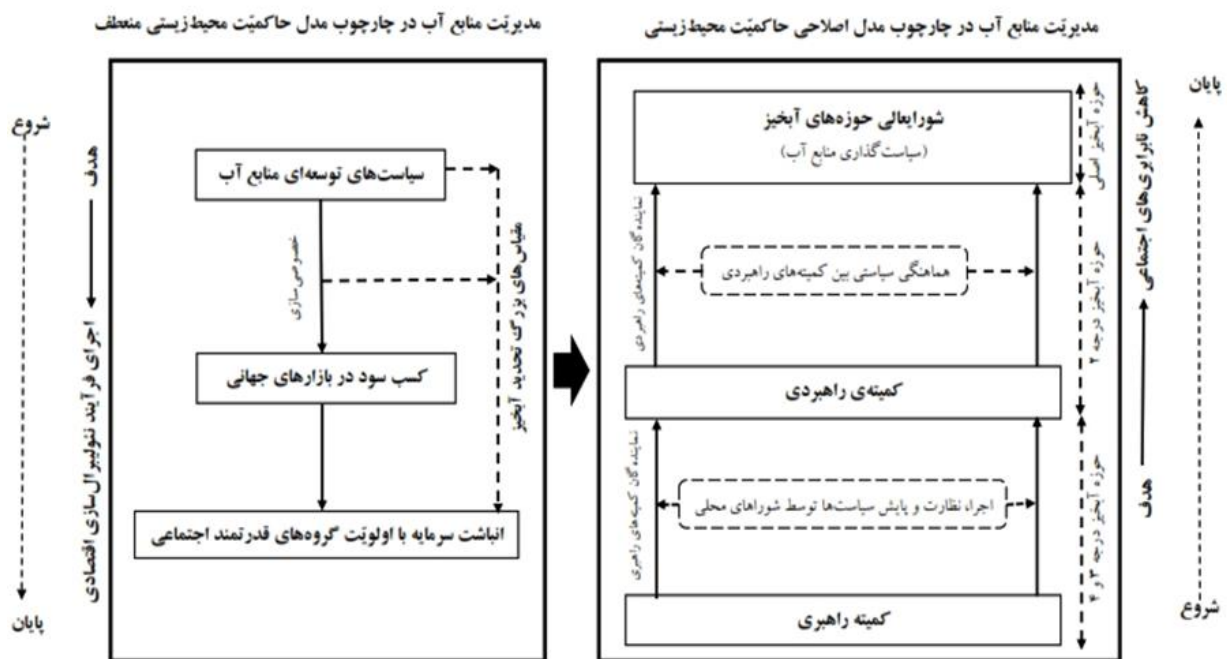
گروه‌های قدرتمند با اولویت‌های اقتصادی نیز همواره تلاش می‌کنند که تدوین قوانین و مقررات محیط‌زیستی و منابع آب مطابق میل آن‌ها باشد و تمرکز بر تحدید آبخیز فضای بیش‌تری را برای آن‌ها فراهم می‌کند و افزایش نابرابری‌های اجتماعی در مناطق مختلف را نیز به‌دنبال دارد. بنابراین در قدم نخست لازم است که مبانی هگلی حاکمیت محیط‌زیستی منعطف از حقوق محیط‌زیستی

شود که اعضای آن نمایندگان شوراهای محلی در مقیاس حوزه‌های آبخیز کوچک (درجه‌های ۳ و ۴) هستند تا بتوانند با بررسی روند قانون‌گذاری و اجرای سیاست‌های منابع آب دست‌آوردهای مثبت آن برای ذی‌نفعان حوزه‌های آبخیز کوچک را تعیین کنند. درنهایت، نمایندگان کمیته‌های راهبردی به‌عنوان اعضای اصلی شوراهای حوزه‌های آبخیز مسؤولان نهایی تصویب سیاست‌های کلان و برنامه‌های توسعه‌ای تأثیرگذار بر منابع آب در حوزه‌های آبخیز اصلی باشند (شکل ۵-۲).

استفاده از چارچوب‌های این مدل حاکمیت محیط‌زیستی پیشنهاد شده باعث کاهش نابرابری‌های اجتماعی در حوزه‌های آبخیز و ایجاد توازن و نظم بین منافع مردم در مقیاس حوزه‌های آبخیز کوچک و سیاست‌های کلان در مقیاس حوزه‌های آبخیز اصلی می‌شود.

کشور حذف شود و اقدام به طراحی چارچوب‌های یک مدل حاکمیت محیط‌زیستی بومی برای ایران کرد که بر مشارکت گروه‌های محلی تمرکز دارد.

پس از آن، مشارکت بخش خصوصی به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که بین منافع مردم در مقیاس حوزه‌های آبخیز کوچک و سیاست‌های کلان در مقیاس حوزه‌های آبخیز اصلی توازن باشد. به‌عبارتی ساده‌تر ساختار مدیریت منابع آب در کشور به شکلی باشد که از یک کمیته‌ی راهبردی (وظیفه: اجرا، نظارت و پایش سیاست‌های منابع آب) با عضویت شوراهای محلی در مقیاس حوزه‌های آبخیز کوچک (درجه‌های ۳ و ۴) شروع شود. سپس به سطح مدیریتی بالاتری در مقیاس حوزه‌های آبخیز درجه ۲ می‌رسد. به‌عبارتی کارگروه یا کمیته‌ی راهبردی (وظیفه: هماهنگی سیاستی بین کمیته‌های راهبردی و تأیید سیاست‌ها) در مقیاس حوزه‌های آبخیز درجه ۲ تشکیل



شکل ۳- پیشنهاد مدیریت منابع آب در چارچوب مدل اصلاحی حاکمیت محیط‌زیستی

منابع

13. **Daneshi, A., Panahi, M. and Vafakhah, M., 2014 a.** Applying the policy tool of Payments for Ecosystem Services (PES) for Management of Natural Resources and Environment, 1nd International E-Conference on Green Economics, <https://civilica.com/doc/278664>, (In Persian with English abstract).
14. **Daneshi, A., Panahi, M. and Vafakhah, M., 2016 a.** Economic Feasibility of Promoting Species of Lower Water Requirements to Improve Water Condition of Lake Urmia Using PES Schemes. *Agricultural Economics and Development*, 24(1), 223-246. Doi: 10.30490/aead.2016.59028, (In Persian with English abstract).
15. **Daneshi, A., Panahi, M. and Vafakhah, M., 2016 c.** Restoring Lake Urmia using PES economic policy instrument: An assessment of direct payment schedule to hinder farmers from crop cultivation. *Journal of Natural Environment*, 69(3), 645-667. Doi: 10.22059/jne.2016.61870, (In Persian with English abstract).
16. **Daneshi, A., vafakhah, M. and Panahi, M., 2014.** Economic Instruments for Management of Natural Resources and Environmental; Case Study: Ecosystem Services Payment. *Journal of Water and Sustainable Development*, 1(2), 7-14. Doi: 10.22067/jwsd.v1i2.35827, (In Persian with English abstract).
17. **Daneshi, A., Vafakhah, M. and Panahi, M., 2016 b.** Economic Assessment of Change in Cropping Pattern in Siminehrud Sub-basin to Improve Agricultural Water Management: An Effort to Restore Urmia Lake Using PES Scheme. *Iran-Water Resources Research*, 11(3), 57-68, (In Persian with English abstract).
18. **Department of Environment., 2019.** Preparation of business greening guidelines, <https://www.doe.ir>, news code: 259da4c, (In Persian).
19. **Department of Environment, 2022.** Collection of environmental laws and regulations, 1 vol, [tps://doe.ir](https://doe.ir) (In Persian).
20. **Duit, A., 2013.** Understanding Environmental Performance of States: An Institution-centered Approach and Some Difficulties, translated by Arashk Holisaz, The Network for Public Policy Studies (NPPS) or Shams, 2017. ISSN: 2423-5385, (In Persian).
21. **Duit, A., 2014.** State and Environment the Comparative Study of Environmental Governance, the MIT Press.
1. **Abrahamian, E., 2020.** Articles in Political Sociology of Iran, translated by soheyla tarabi, shirazeh. publishing, (In Persian).
2. **Anjomshoa, S., 2022 a.** Using the capacity of the private sector in environmental protection, Department of Environment, <https://www.doe.ir/?news>, news code: 871b6a7, (In Persian).
3. **Anjomshoa, S., 2022 b.** Signing Iran's largest financing contract in the environment, Department of Environment, <https://www.doe.ir/?news>, news code: 2dac8ad, (In Persian).
4. **Ataei, S., Mortazavi, S.A., Khalilian, S. and Mobarghei Dinan, N., 2019.** Investigation of Farmers' Preferences to Participate in Payment for Ecosystem Services (PES) Program of Ghazvin Plain Watershed. *Journal of Environmental Studies*, 45(2), 349-359. Doi: 10.22059/jes.2019.275819.1007820 (In Persian with English abstract).
5. **Baz Mohammadi, H. and Cheshomi, A., 2006.** Government Size in Iran's economy, Economic Research and Policy Department Central Bank of the Islamic Republic of Iran, No. 29, (In Persian with English abstract).
6. **Central bank of Islamic Republic of Iran, 2001.** Summary of Iran's economic changes in 2000, <https://www.cbi.ir>, (In Persian).
7. **Central bank of Islamic Republic of Iran, 2004.** Summary of Iran's economic changes in 2002, <https://www.cbi.ir>, (In Persian).
8. **Central bank of Islamic Republic of Iran, 2005.** Summary of Iran's economic changes in 2004, <https://www.cbi.ir>, (In Persian).
9. **Central bank of Islamic Republic of Iran, 2013.** Summary of Iran's economic changes in 2012, <https://www.cbi.ir>, (In Persian).
10. **Central bank of Islamic Republic of Iran, 2014.** Summary of Iran's economic changes in 2013, <https://www.cbi.ir>, (In Persian).
11. **Central bank of Islamic Republic of Iran, 2017.** Summary of Iran's economic changes in 2015, <https://www.cbi.ir>, (In Persian).
12. **Copleston, Frederick Charles, 1907.** A history of philosophy, translated by Amir Jalaluddin Alam, Soroush Publications, 2001, Volume 5.

- environmental statehood. Taylor & Francis Group.
34. **Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture, 2016 b.** Expanding the green economy: Cooperation between Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture and Department of Environment, <https://otaghiranonline.ir/news>, news code: 6361, (In Persian).
 35. **Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture., 2016 a.** the green economy needs the efforts of the government and the private sector, <https://otaghiranonline.ir/news>, news code: 5950, (In Persian).
 36. **Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture, 2016 c.** the statement of the specialized meeting of the green economy and the private sector, <https://otaghiranonline.ir/news>, news code: 4594, (In Persian).
 37. **Iranian Privatization Organization, 2021 a.** the Archive Approval of Assignment Board in 2021, <https://ipo.ir>, (In Persian).
 38. **Iranian Privatization Organization, 2021 b.** the Archive Approval of Assignment Board in 2020, <https://ipo.ir>, (In Persian).
 39. **Iranian Privatization Organization, 2021 c.** the Archive Approval of Assignment Board in 2015, <https://ipo.ir>, (In Persian).
 40. **Iranian Privatization Organization, 2021 d.** the Archive Approval of Assignment Board in 2013, <https://ipo.ir>, (In Persian).
 41. **Iranian Privatization Organization, 2021 e.** the Archive Approval of Assignment Board in 2012, <https://ipo.ir>, (In Persian).
 42. **Iranian Privatization Organization, 2021 f.** the Archive Approval of Assignment Board in 2011, <https://ipo.ir>, (In Persian).
 43. **Iranian Privatization Organization, 2021 j.** the Archive Approval of Assignment Board in 2010, <https://ipo.ir>, (In Persian).
 44. **Iranian Privatization Organization, 2021 k.** the Archive Approval of Assignment Board in 2000, <https://ipo.ir>, (In Persian).
 45. **Iranian Privatization Organization, 2021 l.** statistics and performance of
 22. **Ebtekar, M., 2014.** The government has a special view on the green economy, Governant of the Islamic Republic of Iran, <https://dolat.ir/detail/249826>, (In Persian).
 23. **Ebtekar, M., 2016.** Green economy is government's approach to environmental management, Department of Environment Protection of Alborz Province, <https://alborz.doe.ir/portal/home/?news>, (In Persian).
 24. **Faryadi, M., 2018.** Pathology of Inter-Organizational Collaboration in environmental protection in the Iranian Administrative Law, Administrative law, 6 (16):109-131, (In Persian with English abstract).
 25. **Faryadi, M., 2019.** Choice of Regulatory Instruments for Environmental Protection. *Majlis and Rahbord*, 26(98), 119-146, (In Persian with English abstract).
 26. **Hobbes, T., 1651.** Leviathan, Translated by Hossein Bashiriyeh, Nashrene, 2018, twelfth edition, (In Persian).
 27. **Holisaz, A. and Safikhani, S., 2020.** Science and Policy-Making; A Necessity of a Supermodel for State- Part 1: Spatial Scale. *Iranian Journal of Forest*, 12(3), 407-419, (In Persian with English abstract).
 28. **Holisaz, A. and Safikhani, S., 2022.** Coercive policy approach in the environmental legislation in Iran. *Majlis and Rahbord*, 29(112), 361-390. Doi: 10.22034/mr.2022.4829.4677, (In Persian with English abstract).
 29. **Holisaz, A. and Safikhani, S., 2022.** Scale Pluralism and Institutional Overdose in Iran's Environmental Policy and Structure. *Iranian Journal of Public Policy*, 8(4), 167-188. Doi: 10.22059/jppolicy.2021.84828, (In Persian with English abstract).
 30. **Holisaz, A., Sharifi, B., Mohammadi Kangarani, H. and Safikhani, S., 2019.** Investigation of Coercive Policy Approach in Iran's Water Resources Management, Second Conference on Governance and Public Policy, Iran, (In Persian with English abstract).
 31. **Hooglund, E.J., 1982.** Land and Revolution in Iran 1960-1980, Translated by Firouzeh Mohajer, Shirazeh publication, 2013, Tehran, (In Persian).
 32. **Ioris, A.A.R., 2012.** The neoliberalization of water in Lima, Peru, *Political Geography*, Vol.31, pp.266-278.
 33. **Ioris, A.A.R., 2014.** The political ecology of the state the basis and the evolution of

- Journal of Public Policy, 4(4), 105-124. Doi: 10.22059/ppolicy.2018.65593, (In Persian with English abstract).
56. **Mirikaram, N. and Mobarghei N., 2015.** The role of ecosystem services in improving strategic environmental assessment, Twelfth National Conference on Environmental Impact Assessment of Iran, <https://civilica.com/doc/410502>, (In Persian with English abstract).
 57. **Mohammadizadeh, M.J., 2011.** Green economy is an innovative approach in adapting the economy to environmental requirements, government of the Islamic Republic of Iran, <https://dolat.ir/detail/199042>, news code: 199042, (In Persian).
 58. **Narrative Special Reporting Committee on Iran Floods, 2019.** The 2019 Iran Floods, <https://nfr.ut.ac.ir/fa>, (In Persian).
 59. **Natural Resources and Watershed Management Organization, 2012.** [1] United Nations Conference on Sustainable Development (Rio+20), news code: 18397, <https://frw.ir/02/Fa/News>, (In Persian).
 60. **Panahi, M., Panahi, M. and Vafakhah, M., 2016.** Change in irrigation methods under the framework of PES policy tool to restore Lake Urmia. Iranian journal of Ecohydrology, 3(2), 255-266. Doi: 10.22059/ije.2016.59669, (In Persian with English abstract).
 61. **Safikhani, S., Holisaz, A., Bahremand, A. and Biniiaz, M., 2020.** Model-Based Solution for Water and Soil Resources Management: Opportunities and Threats. *Iranian Journal of Public Policy*, 6(1), 180-199. Doi: 10.22059/jppolicy.2020.76995, (In Persian with English abstract).
 62. **Salajegheh, A., 2022 a.** Green economy is an important approach in the seventh development plan, Department of Environment, news code: 2ae4909, <https://www.doe.ir/?news>, (In Persian).
 63. **Salajegheh, A., 2022 b.** Five important challenges of Iran in environment and water, Department of Environment, news code: ddd6a97, <https://www.doe.ir/?news>, (In Persian).
 64. **Shahpouri, A., Amirnejad, H. and Ghorbani, M., 2021.** Providing a Tourism Income Model Based on the Payment for ecosystem services of the Southern Coast of the Caspian Sea (Case study: Nowshahr). *Agricultural Economics Research*, 13(1), 147-174, (In Persian with English abstract).
 - assignment: annual statistics, <https://ipo.ir>, (In Persian).
 46. **Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. 2022.** Law on the Second Five-Year Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran [1994-2000], <https://rc.majlis.ir>, (In Persian).
 47. **Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran, 2017.** Investigating of the flood situation in Iran: the actions taken and the Experience of other countries, <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1037315>, (In Persian).
 48. **Jahani, F., Malekmohammade, B., Zebardast, L. and Adele, F., 2015.** Investigate the Potential and Application of Ecosystem Services as Ecological Indicators in the DPSIR Model (Case Study: Choghakhor Wetland). *Environmental Researches*, 5(10), 109-120, (In Persian with English abstract).
 49. **Knill, C., Shikano, S. and Tosun, J., 2014.** Explaining Environmental Policy Adoption: A Comparative Analysis of Policy Developments in Twenty-Four OECD Countries. In: *State and Environment the Comparative Study of Environmental Governance*. Edited by Duit, (53-79), the MIT Press.
 50. **Kolahi, M., 2020.** Administrative Organizational Structures towards General Environmental Policies. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 8(31), 510-534. Doi: 10.30507/jmsp.2020.102564, (In Persian with English abstract).
 51. **Lambton, A.K.S., 2015.** Landlord and peasant in Persia: a study of land tenure and land revenue administration, translated by Manouchehr Amiri, Eelmi and farhangi publications, Fifth edition, (In Persian).
 52. **Maroufkhani, A., 2009.** Stylized Facts of the Real Sector of the Iranian Economy during 1989-2006, Economic Research and Policy Department Central Bank of the Islamic Republic of Iran, (In Persian).
 53. **Meadowcroft, J., 2014,** Comparing Environmental Performance, In: *State and Environment the Comparative Study of Environmental Governance*. Edited by Duit, (27-51), the MIT Press
 54. **Ministry of Energy, 2019.** The first edition of the Water Law, <https://iwa.moe.gov.ir> (In Persian).
 55. **Miremadi, T., 2018.** Critical Future Studies of Water Policy in Iran. Iranian

68. **Tamassoki, E., Mohammadi Kangarani, H., Ashtariyan, K., Holisaz, A. and Naderi, F., 2021.** Problemology of Iran's Environmental Policy-making. *Iranian Journal of Public Policy*, 7(2), 109-125. Doi: 10.22059/jppolicy.2021.82650, (In Persian with English abstract).
69. **Zakeri, E., Moosavi, A. and Karimzadeh, H., 2020.** Strategies for implementation of Payment for Ecosystem Services (PES) in Range Management of North Khorasan Province, *Journal of Rangeland*, 2(14), 325-337, URL: <http://rangelandsrm.ir/article-1-910-en.html>, (In Persian with English abstract).
70. **Zarandian, A., 2018.** Introducing a framework for using the Ecosystem Services Approach in Water Resources Management, *Environment and Interdisciplinary Development*, 3(60), 17-28, (In Persian with English abstract).
65. **Shirdeli, A., Khani Temelilyeh, Z., Mirabbasi Najafabadi, R. and Sayadian Barkhordar, Y., 2021.** The Prioritization of Indicators for Evaluating the General Policies in the Water Sector. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 9(36), 686-711. Doi: 10.30507/jmsp.2021.272107.2198, (In Persian with English abstract).
66. **Sonnenfeld, D.A. and Leigh Taylor, P., 2018.** Liberalism, Illiberalism, and the Environment, *Society & Natural Resources*, Vol.31, No.5, pp. 515-524.
67. **Tahami Pour Zarandi, M., 2018.** Introducing Payment for Ecosystem Services (PES) Tool to Preserve and Revitalize Wetlands Ecosystems, *Environmental, Natural Resources and Sustainable Development Studies Journal*, 2(5), 1-18, (In Persian with English abstract).





The Investigation of The Evolution of Environmental Statehood Model in Iran

Sajedeh Safikhani¹, Arashk Holisaz^{*2}

1- Department of Natural Resources Engineering, Faculty of Agriculture and Natural Resources, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

2*- Department of Watershed Management, Faculty of Range and Watershed Management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran

Abstract

Original Article

Received:
2023.05.01

Accepted:
2023.11.10

Keywords:
Environmental Management, Politico-Philosophical Ideas of Hobbes, Kant and Hegel, Iran

The investigation of the causes of the failure of the environmental policies of the state requires first cognition from the evolution of environmental statehood. Ioris (2014) by focusing on the politico-philosophical approaches shows that during the last century, three different environmental statehoods were put in place, encapsulating three characteristic interpretations and reactions to environmental problems, which were under the influence of the political theories of Hobbes, Kant and Hegel. The trend of environmental disruption and institutional reforms shows environmental statehood has the evolution of trend in Iran too. Therefore, the central question here is the evolution trend of environmental statehood of Western countries compatible with Iran's conditions? The answer to this question requires investigation of state reactions to environmental problems. In this regard, the environmental statehood model of Iran was investigated with the use of the methods of qualitative content analysis. It also focuses on the political theory of Ioris (2014). The investigation of the coercive and non-coercive policy in the environmental regulation and legislation show Legislative institutions focus on the coercive policy for environmental protection. Despite the fact that the dominance of coercion policy from in the Iran's Forests act (1942) to Soil Conservation act (2019) shows that the political ideas of Hobbes are dominant in Iran's environmental law. But, legal reforms to solve environmental and water resource problems are associated with the upholding of a specific model of environmental statehood in Iran. In fact, the most obvious features of the conventional model of environmental statehood (environmental impact assessment) and the transition period from conventional to flexible environmental statehood (sustainable development) were introduced to Iran's environmental statehood in the Sazandegi government. In addition, the results show that the state in Iran introduced more flexible approaches into the regulations of water resources without

creating a prepared the ground for the transition to a more flexible environmental statehood. Such as increasing the participation of the private sector in the three levels of governance of water resources and development of legal capacity for the acceptance of market-based approaches such as the water bank into the draft of the water law. Also, introducing policy tools of the payment for ecosystem services (PES) and ecosystem services to solve the problems of water resources in watersheds. Therefore, frameworks of the flexible model of environmental statehood exist also in Iran. But, the evolution trend of environmental statehood of Iran is not according to Western countries. The environmental statehood in Iran involves the application of specific forms of market-based interaction of Hegelian state model and command-and-control approaches of conventional model of environmental statehood to the control of water resources. It should be noted that focusing on the frameworks of the features of the conventional model of environmental statehood and flexible environmental statehood cannot solve Iran's environmental problems. Therefore, it is necessary that framework of local environmental statehood be designed for Iran, which focuses on the participation of local groups. By focusing on frameworks of this model can be achieved 1) reducing social inequalities on the scale of watersheds and 2) creating a balance between people's interests in the scale of small watersheds and macro policies in the scale of large watersheds.